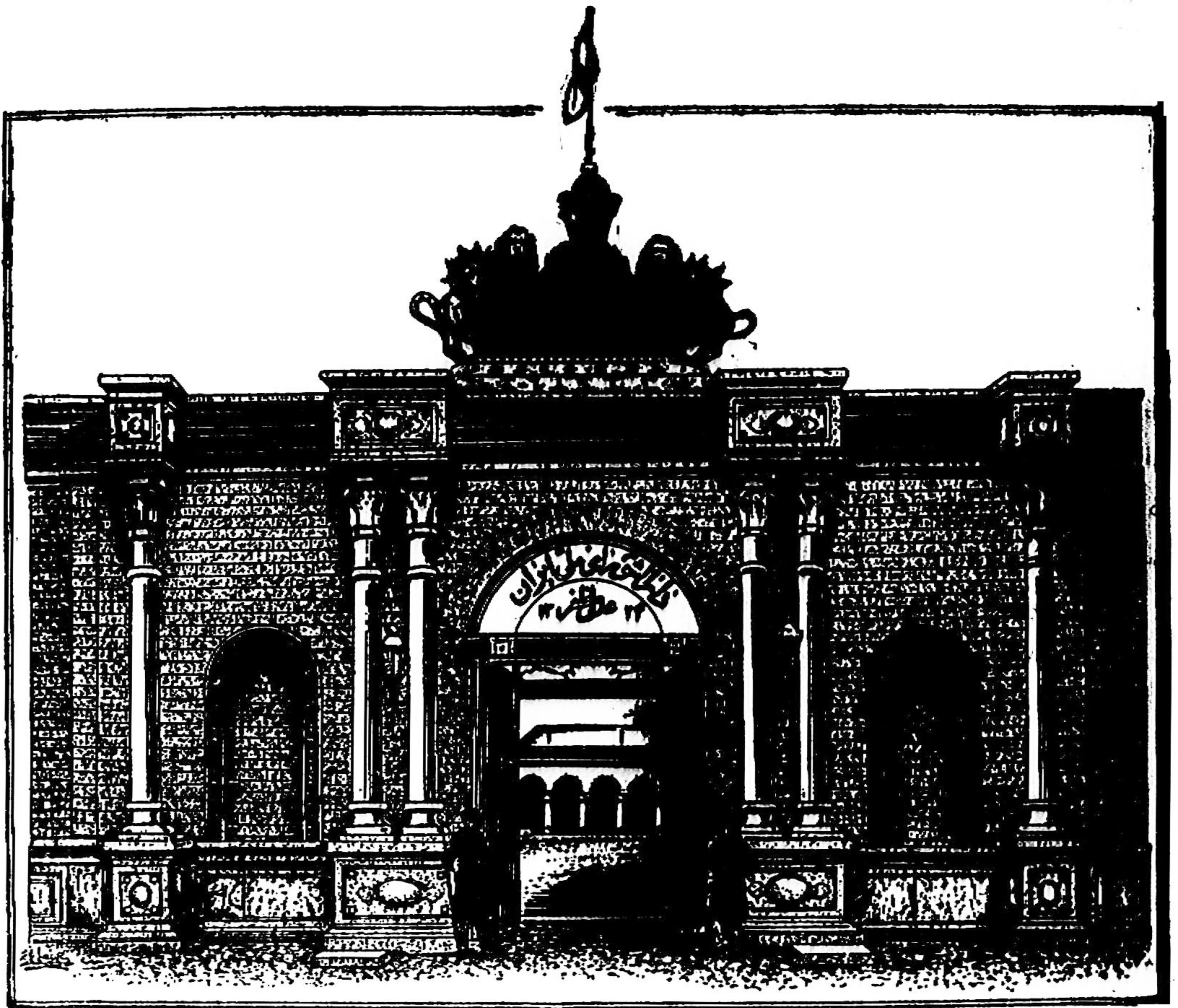


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۶۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۲۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۲۱ تیر ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۴ محرم ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره بك قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	نصوب مرخصی آقا بان ملك مدنی و میر ممتاز	۴۷۴۲	۴۷۴۳
۲	شور در کلیات لایحه انحصار زرباك	۴۷۴۳	۴۷۶۲



تذکره مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۲۱ تیر ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۴ محرم ۱۳۴۷

جلسه ۲۶۲

(غائبین با اجازه جلسه قبل)
 آقابان : آیت الله زاده خراسانی - دکتر طاهری -
 نگهبان - محمد تقی خان اسعد - اسکندر خان مقدم -
 محمد هاشم میرزا افسر - آقا میرزا هاشم آشتیانی - آفاسید

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست)
 آقای پرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس بوم سه شنبه نوزدهم
 تیرماه قرائت شد)

حسن مدرس - ثقة الاسلامی - ایقوانی - افخمی - نجومی
(غائبین بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: اسدی - ذوالقدر - اعظمی - میر ممتاز -
میرزا محمد تقی طباطبائی - قوام شیرازی - امیر تیمور
کللی - آقا زاده سبزواری - حاج حسن آقا ملک -
اسکندری - محمد ولیمیرزا - میرزا حسنخان وثوق - حاج
غلامحسین ملک - ابراهیمی - میرزا علی مولوی - موقر
شریعت زاده - آقا علی زارع - غلامحسین میرزا مسعود
(دیر آمده با اجازه)

آقای سید ابراهیم ضیاء
دیرآمدگان بی اجازه:

آقایان: محقق شیرازی - شروانی - مرضی قلبخان
بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - عباس میرزا -
میرزا محمد تقی بهار - کازرونی - زعیم

رئیس - آقای کازرونی
کازرونی - بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه نوشته
بودند در صورتیکه بنده اجازه خواسته بودم
رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟
(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. خبر کمیسیون
عریض و مرخصی قرائت میشود

نماینده محترم آقای ملک مدنی از تاریخ بیست و دوم
تیرماه ۱۳۰۷ اجازه يك ماه مرخصی تقاضا نمودند چون
نماینده معظم آلیه تاکنون از مرخصی استفاده نفرمودند
لذا کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آن را
تقدیم مجلس مینماید

رئیس - آقای خطیبی
خطیبی - بنده موافقم
رئیس - آقای میرز آبادی
فیروز آبادی - عرض میکنم بکجه بیشتر به آخر مجلس باقی
مانده اگر آقایان بخواهند مرخصی بگیرند و بروند بالاخره
مجلس از اکثریت می افتد به این ملاحظه بنده با کلیه مرخصی ها
مخالقم و البته خود آقایان هم نباید راضی به این امر شوند

که مجلس از اکثریت بیفتد بنا بر این بنده با این
مرخصی مخالفم

مخبر - نماینده محترم مکرر این فرمایش را فرموده اند
و جواب هم به ایشان عرض شده است که کمیسیون عریض
همیشه متوجه است که مجلس از اکثریت بیفتد و ضمناً
آقا باسقی انصاف را هم قائل باشید برای اینکه آقای
ملک مدنی از اول دوره باینکه قرب جوار بمحل خودشان
داشته اند استفاده از مرخصی نکرده اند در صورتیکه
قانوناً حق مرخصی هم داشته اند از آنطرف بقدری مراقب
امور مجلس خود بوده اند که میتوانم عرض کنم در
جلسات هم غالب نبوده اند از این جهت کمیسیون عریض
هم با يك بشانقی مرخصی ایشان را تصویب کرد
رئیس - آقایانیکه با این خبر موافقت قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

مخبر مرخصی آقای غلامحسین میرزا
نماینده محترم آقای غلامحسین میرزا مسعود بملك كسالك
مزاج از ۱۷ تیر ماه تقاضای ۱۵ روز مرخصی نمودند
کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم
می نماید.

رئیس - آقای کازرونی
کازرونی - بنده از شاهزاده غلامحسین میرزا خواهش
میکم که از این مرخصی صرف نظر فرمایند

رئیس - آقای آقاسید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم
رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - مخالفم
رئیس - آقایانی که این خبر را تصویب میکنند قیام
فرمایند
(چند نفری برخاستند)

رئیس - تصویب نشد.

مخبر مرخصی آقای میر ممتاز
نماینده محترم آقای میر ممتاز بشرح تلگرافیکه بنوسط

نماینده محترم آقای احتشامزاده از خراسان نموده اند
مبتلا بدرد پای سخت غیر قابل حرکت شده و اجازه
چهل روز مرخصی از دهم تیر ماه نمودند کمیسیون عذر
ایشان را موجه دانسته با تقاضای ایشان موافق اینک خبر
آرا تقدیم مینماید

رئیس - آقای احتشامزاده
احتشامزاده - موافقم
رئیس - آقای رفیع
رفیع موافقم
رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - بنده هم تصدیق میکنم که آقای میرممتاز
مريض هستند در اینصورت مجبور نیستند که مرخصی بگیرند
و خوبست از ماهی سیصد تومان حقوق صرف نظر
فرمایند

زوار - مخبر کمیسیون - بنده بارها به آقا
تذکر دادم که کتر این ثمن بخش را اظهار فرمایند که
حقیقه مملکت و مملکت بر میخورد بعلاوه خود آقا هم
میدانید که آقای میرممتاز مريض هستند نظامنامه هم
به ایشان حق داده است بعلاوه صحیه مشهد هم کسالت
ایشان را تصدیق کرده است دیگر جای مخالفی باقی نمینماید
رئیس - آقایانیکه با این خبر موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

وزیر مالیه - آقای وزیر عدلیه چون کسالت داشتند
تذکر استند بمجلس اشرف حاصل کنند شرحی به بنده
نوشته اند و از بنده خواهش کرده اند که چند فقره
از لوائح مربوطه به ایشان و کمیسیون عدلیه را اینجا
تقدیم کنم. یکی قانون محاکمات نظامی است که با مشورت
ارکان حرب کل تنظیم شده است چند فقره هم راجع
به ثبت اسناد و قسمت های دیگر است که لوائحش را
فرستاده اند و بنده تقدیم میکنم که بکمیسیون عدلیه
سراجعه شود.

جمعی از نمایندگان - دستور

وزیر مالیه - راجع بدستور همانطور که بنده تقاضا
کرده بودم لایحه انحصار را که خبرش از کمیسیون هم
تقدیم بمجلس شده است مطرح شود

فیروز آبادی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - آقایان مستحضرنند که بعضی از لوائح
بمجلس آمده است و مدتی است معطل مانده است در
صورتیکه هر قانونی بیش از چند دقیقه کار ندارد منافع
هم برای مملکت دارد یکی از آنها لایحه خط آهن بین
حجره و عبادان است که شور اول و دومش تمام شده
و فقط يك رأي باقی مانده است آقایان اجازه فرمایند
که این لایحه تمام شود بعد داخل در مطالب دیگر بشود
رئیس - رأي میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند لایحه
جزو دستور شود قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع بکلیت است
آقای فرمند

فرمند - بنده اصولاً موافقم باینکه کشت ترپاک را
در ایران منع کنند و استعمالش را هم غدغن سخت
و جلوگیری کنند زیرا این انحطاطی را که ما پیدا
کرده ایم یکی از عللش همین ترپاک است که امید واریم
رفع شود این عقیده شخص من است ولي البته نظر به
اینکه امروز ترپاک يك قسمتی از صادرات ما را تشکیل
میدهد بنده این تقاضا را ندارم که کشت آرا قدغن
کنند برای اینکه قانون تحدید ترپاک که گذرانند
روح قانون این بود که ترپاک کشیده نشود ولی بدبختی
روح این قانون در اینمدت اجرا نشد و فقط وزارت
مالیه در اینمدت جنبه مالی این قانون را در نظر گرفت
و برای ازدیاد عایدات ما دیدیم که ترپاک راحتی در قهوه
خانه ، نعیم کردند برای اینکه عایدات دولت از دیاد
پیدا کند و حالا هم لایحه انحصار را دولت تقدیم کرده است
و هیچ معلوم نیست که روی چه بقی دولت این لایحه را
تقدیم کرده است و فقط يك جنبه مالی دارد و يك لایحه

مالی است. برای ازدیاد عایدات در صورتیکه بنده معتمد که هم دولت و هم مجلس يك ماده چيزی در این لایحه بگنجانند که بعقیده من این است که يك مقداری از اضافه عایداتی که از این راه پیدا خواهد شد تخصیص بدهند به صحنه که اداره صحبه مملکتی از کشیدن ترناك جلوگیری کند ولی اگر همین نحو باشد که پیشنهاد شده است آنوقت این اسباب زحمت برای دولت و مردم خواهد شد اما رسیدیم به سر انحصار بنده اصولا معتقد نیستم که دولت يك مالیاتهایی برای این مملکت وضع کند که جنبه انحصار داشته باشد برای اینکه ما وقتی يك قانونی در مجلس میگذرانیم این قانون بطوری که باید بین مردم منتشر شود نمیشود و اگر هم منتشر شود خود مردم در صدد استعلام آن نیستند که مجلس چه قانونی گذرانده است و بالاخره حالت شهرها اینطور است ناچه رسد بهدات. بنده امروز انحصار را برای این مملکت کار مشکلی میدانم و از دو طرف مشکل میدانم بواسطه نبودن مأمورین ذی شعور فهیم و هم اینکه مردم مطلع از نظامنامه و جریان اداری نیستند که وظایفی را قانون برای آنها معین کرده است عمل کنند از این جهت بنده معتمد که قوانین انحصاری کشمکش و زحمانی بین دولت و مردم ایجاد میکند که بالاخره به نفع جامعه تمام نمیشود برای اینکه يك تنفیری راجع بمأمورین دولت از طرف مردم ایجاد میشود مأمورین دولت هم نظر به اینکه مردم يك قاچاق کاریهائی میکنند يك تضییقاتی نسبت بمردم میکنند و این رويه خیلی خطرناک است که همیشه دولت و ملت در صدد جنگ و ستیزه با یکدیگر باشند از این نقطه نظر این قبیل مالیاتها را صلاح نمیدانم حالا این لایحه را آورده اند به عنوان اینکه ترناك کش را تخفیف بدهند و از یکطرف عایدات دولت را زیاد کنند این نیت هیچ معلوم نیست اگر ممکن است اصلاح شود و طوری باشد که هم بمنفعت مردم باشد و هم بمنفعت خزانه در این لایحه که چیزی دیده نمیشود اما در مقدمه لایحه اشاره شده به اینکه از نقطه نظر

بین المللی این انحصار نافع است به نیت اینکه کشت ترناك را تخفیف بدهند و اگر این نیت هست بایستی اصول و رويه تخفیف این کشت را در نظر گرفتند که عامه هم از این رويه مستحضر شوند. و اگر اختیار باوزارت مالیه باشد ممکن است بگوید فلان ولایت امسال کشت ترناك نکند و سال دیگر فلان ولایت را بگوید و باصطلاح تخفیف دادن کشت ترناك روي يك اصولی نباشد و این بمنفعت جامعه امروزه ما تمام نمیشود و اگر چنانچه نیت دولت این است که بتدریج این کشت تخفیف پیدا کند باید در صدد باشند که يك زراعت دیگری را بجای این زراعت برقرار کنند که صدمه بصادرات ما نخورد و علاوه بر این بایستی يك مبلغی از اضافه عایدات این مالیات در لایحه پیش بینی شود که در آتی بتدریج برای تشویق مردم خرج شود و يك زراعت دیگری را رواج بدهند که جای ترناك را بگیرد این معنی هم در لایحه نیست و بنده که این لایحه را خواندم هیچ منظوری جز نظر مالی درش ندیدم در صورتیکه دولت اگر منظور دیگری هم دارد بایستی در همین لایحه ذکر کند و اگر بنا باشد اینطور باشد این موجب میشود که همینطور بمرور کشت ترناك را از بین ببرند و آنوقت در ده سال دیگر باید از خارجه مرفین و سوزن مرفین همانطور که از جاهای دیگر قاچاق میکنند از آنجاها هم قاچاق بکنند برای ترناك کش ها در صورتی که اگر چنانچه حقیقه نیت دولت تخفیف دادن کشیدن ترناك باشد میبایستی ازحالا در صدد باشند اداره صحبه و دولت مردم را پروپاگاندا کنند و تشویق کنند و به دادن حب ترك ترناك مجانی و غیره ترناك را ترك کنند و بالاخره باید این دو منظور در لایحه باشد یکی اینکه بجای این زراعت زراعت دیگری بیاید یکی اینکه بتدریج کشت آن از بین برود و جلوگیری شود تا موقوف شود وزیر مالیه - فرمایشات نماینده محترم مخالف با اصل مطلب نبود و البته غیر از این هم انتظاری از ایشان نبود زیرا با اطلاعی که دارند تصدیق دارند که يك همچو

چیزی از حیث اصول نافع است مخالفت نکردند بلکه خواستند يك اطلاعاتی از نیت دولت داشته باشند و این که فرمودند لایحه ظاهرا فقط يك منظور مالی است عرض میکنم این يك چیز کمی نیست درست دقت بفرمائید به بینید مملکت ایران با این وسعت و با این احتیاجاتی که ترقی دارد مسلم است که بیست و پنج میلیون با بیست و نه میلیون عایدی تکافو با این احتیاجات نمیکند فرض میکنم که هیچ منظوری در این لایحه نباشد غیر از اینکه عایدات زراعتی برای این مملکت و برای اصلاحات این مملکت تهیه شود این نازه بسیار کار خوبی است و خوبیش بیشتر میشود از حیث اینکه مثل سایر عایدات دیگر این مملکت بزراعت و زارع نمیشود و جوهی که از خارج وارد این مملکت میشود اگر ما بتوانیم این را بیشتر آورد کنیم البته ضرر ندارد و خیلی بهتر است و آن اشخاصی هم که از این منابع يك منافع خصوصی میبرند آنها هم خودشان حرفی نخواهند داشت زیرا نفعی که دولت میبرد خیلی بیشتر خواهد بود از نفعی که آنها میبرند و از آنطرف مصرفش هم البته مصرف مؤسسات عمومی مملکت خواهد بود و بهتر است از اینکه تخصیص داده شود بتوسعه زندگانی يك فردی بهر حال در صورتیکه تنها منظور هم منظور مالی بود تصدیق بفرمائید که این لایحه مورد موافقت و مساعدت آقایان باید باشد. و اینکه فرمودند آیا منظور دیگری هم دولت غیر از منظور مالی دارد عرض میکنم آن منظور دیگر حفظ نژاد ما است که استعمال ترناك آنرا خراب میکند. و همانطور که فرمودید قانون اولی که از مجلس گذشت روی این فکر بود ولی آن نتیجه که میخواستیم بما نداد حالا چطور اینطور شد؟ اصول و طرز اداری فکر در آن قانون خوب نبود اینها يك چیزهائی است که مورد بحث نیست چیزی که مسلم است و قابل هیچ تردید نیست نظایر و امثالش را هم خود ما دیده ایم برای رسیدن بمقصود یعنی جلوگیری از استعمال ترناك ما هیچ راهی بهتر از انحصار نیست برای اینکه اختیارات اداره کنند

را اسبب بمشکل کردن کشش ترناك بیشتر میکشد - پس نیت دیگری که دولت در تقاضای انحصار دارد این است که موفقیت پیدا کند به این وسیله و از این راه بمرور ترناك کشیدن را در این مملکت موقوف کند. نماینده محترم يك قسمتی هم راجع بزراعت ترناك فرمودند که ممکن است دولت این نیت را داشته باشد که با این وسیله بخواند زراعت ترناك را جلوش را بگیرد البته کسیکه قائل شد به اینکه ترناك کشیدن چیز خوبی نیست باید جوی اینرا هم بگیرد ولی یکی از طرقی که باید در نظر گرفت این است که آقا درست دقت بفرمائید خودتان هم اشاره فرمودید بنده فرمایش شما را تفسیر میکنم! آقا باید فکر کنید و به بینید امروز مملکت ما پیش آمدش اینطور شده است که محصول ترناك تنها محصولی است که از حیث وارد کردن سرمایه خارجی برای این مملکت خیلی مؤثر است پس ما هر قدر قائل باشیم بجلوگیری از کشیدن ترناك نمیتوانیم بی مطالعه و بی مقدمه بدون اینکه به بینیم مقام این زراعت چه خواهد شد بیقتیم توی خط اینکه زراعت ترناك را از بین ببریم این تقاضا را در جامعه ملل هم از ما کردند آقا میدانند که يك سیاست عمومی ایجاد کردند در زمینه موقوف شدن زراعت ترناك. یکی از مهالکی هم که مخاطب این نظریه و این فکر عقیده بود مملکت ایران بود. ما هم آقایان مستحضر هستید که در جامعه ملل چون اصولا این يك فکر مستحسفی است اگر حقیقت داشته باشد و تطبیق با واقعیت پیدا کند یعنی در صورتیکه در همه جای دنیا حقیقه زراعت ترناك را از بین ببرند البته ما هم شاید يك اشخاصی باشیم که ولو برای يك منافع خیلی زیادی هم باشد مخالف با يك اصول خردی نباشیم ما در عین اینکه تصدیق میکنیم که بطور کلی با این فکر مملکت ایران و ملت ایران مخالفت ندارد با اینکه وضعیت مملکت ما يك وضعیت خاصی است که شبیه هیچ جای دنیا نیست ولی قید کردیم که اگر ما در این رويه و راه بیقتیم با يك مقدماتی است بعقیده ما اولش این است که به بینیم حقیقه این

سیاست در همه جای دنیا بموقع عمل میآید؟ ما هم بنوبه خودمان يك قدم کوچکتری اگر لازم شد بر میداریم ولی بموقع پیدا نکردیم نه ما و نه شما روی این فکر نباید باشیم. بعد گفتیم به آنها وقتی که بنا شود این کار را بکنیم باز باید يك شرائطی داشته باشیم برای اینکه آنوقت ما يك وقت زیاد و سنوات زیادی باید داشته باشیم که بتوانیم قایم مقامی برای این محصول بدست بیاوریم در هر حال فعلاً ما از نقطه نظر سیاست عمومی و سیاست خارجی وضعی این طوری نیست که حقیقه نهدید آید باشد برای مصالح مملکت ما و برای زراعت تریاک ما را احتیاجات مشروع و احتیاجات طبی باندازه که ما هم با این زراعتی که داریم بتوانیم زندگی کافی کنیم. و در مقابل آن احتیاجات مشروع او را استعمال کنیم در دنیا موجود است در هر حال قضیه از موضوع بحث امروز ما خارج است و اینکه آقا اشاره فرمودند که معلوم نیست محاسن این لایحه و منویات دولت چیست و آیا یکی از منویات دولت در لایحه این است که از راه انحصار زراعت تریاک را موقوف کنند یا نه؟ خواهانم عرض کنم نه ولی البته اگر وضعیات مقتضی شد و آن شرائط در دنیا اجرا شد که دیگران هم این کار را کردند حقیقه وارد این سیاست شد البته ما هم می‌شویم ولی انحصار حسنش این است که يك مقدمه است برای آن سیاست عمومی یعنی اگر يك روزی بنا باشد مصالحت طوری ایجاد کند که شما بخواید زراعت تریاک را تقلیل دهید باز از راه انحصار سهلتر میشود. این را بنده برای اطلاع خاطر آقا عرض میکنم ولی رو به مرقرقه نیت دولت در این لایحه دو چیز اساسی است یکی قسمت عایدات و این نه تنها از نقطه نظر این است که ما احتیاج داریم يك نکته است که از این مراحل هم مهمتر است شاید يك اشخاصی در این مجلس باشند که مطلع باشند و اگر يك ملاحظاتی کنند تصدیق میکنند. الان عایداتی که از تریاک برای این مملکت حاصل میشود ولو اینکه خوبست و زیاد است ولی اگر

این را مقایسه کنید با آن عایداتی که حقیقه از این راه باید وارد این مملکت بشود می بینید که يك چیز کمی است چرا اینطور است؟ برای این است که این قضیه محصول تریاک و تجارت در بازار دنیا يك قضیه خیلی مهمی است که بدون داشتن يك اساس و بدون داشتن يك مطالعات و يك تحمل و طاقت مقاربت در مقابل رفتاری دیگر نفعی را که باید گرفت نمیشود مثلاً اگر مراجعه کنید به گذشته و ده سال بدست سال قبل که تجارت تریاک رواج پیدا کند و تاجر تریاکان زیادتر بشود و رقابت بین آنها شدید تر بشود شاید صندوق تریاک ایران را در خارج وقت میبردند خیلی گرانتر از این قیمتی که امروز هست میفروختند امروز چرا اینطور است؟ برای اینکه امروز يك رقابت‌هایی تولید شده و اینك نفع خیلی کمی بنده سرکار و دیگری که تاجر تریاک هستیم قناعت میکنیم و نمیتوانیم خودداری کنیم برای اینکه سرمایه کافی برای این کار نداریم و در مقابل رقابت دیگران وسائلی که لازم است نداریم. آقا میدانند که در مقابل رقابت تنها وسیله ارزان فروشی نیست. ارزان فروشی يك چیزی است که از خدمات خیلی بدوی مثلاً ما فرض کنیم که ارزانتر فروختن تنها وسیله رقابت است. ای امان بازار مال التجاره را خراب کردند قیمتش اینطور شد خیر اینطور نیست این اشکال است. برای رقابت در بازارهای دنیا هزار چیز میخواهد و وسائل می‌خواهد حمل و نقل شخصی میخواهد. اعتبار کافی میخواهد امتیاز می‌خواهد و هزار چیز دیگر می‌خواهد تنها ارزان فروختن نیست باری مقصود این است که از این راه هم خسارات و ضرر هائیکه بدورات و مملکت وارد می‌آید از راه انحصار جبران میشود. اگر این انحصار اداره شود شاید پول خارجه که در مقابل همین تریاک که امروز وارد این مملکت میشود در عرض دو سال پنج برابر بشود. در مقابل همین محصول امروزی مملکت بیشتر هم نمیکشیم. اگر این انحصار خوب اداره شود ممکن است پنج برابر شش برابر پولی که امروز وارد مملکت میشود وارد بشود. تصدیق میفرمائید که این

قبل منافع منافع عمومی است که منفعتش با افراد مملکت میرسد. همه مؤسسات میرسد و این را نباید خرده شمرد و باید وسائلش را فراهم کرد و وسائل اینها این است که تریاک را منحصراً اداره کرد. حالا البته يك وضعیات خاصی هم در مملکتها هست که آن وضعیات خاص را هم همیشه خواسته ایم رعایت کنیم؟ یعنی چون در مملکت ما کار صنعت تجارت هنوز خیلی زیاد نیست دولت و مجامع همیشه در نظر داشته اند در هر کاری که کرده اند در يك جاهائی مذهب يك اشخاصی را هم منظور داشته اند حالا شاید از نقطه نظر اصول عملی وظیفه و تکلیف نباشد ولی از نقطه نظر وضعیات اختصاص این مملکت این مسئله منظور شده و همین عنایت است که ملاحظه میفرمائید در این قانون ما راه را باز گذاشته ایم و این اجازه را داده ایم که برای صدور تریاک بخارجه دولت بتوانند جزو تجارت میکنند بدهند. چرا؟ برای اینکه از این راه میتوانیم تا يك اندازه تا آنجائی که خود آنها مصالحت مملکت و دولت را رعایت کنند يك منافعی از این کار بآنها بدهیم. در این صورت اگر دولت بتواند منافع انحصاری را از راه واسطه عمری انجام دهد و آن واسطه هم منفعتی ببرد و لو اینکه کاملاً ارکان انحصار هم قائم نخواهد بود ولی از نقطه نظر مراعات ما از نقطه نظر مردم داری از نقطه نظر مساعدیت با افراد (این افراد هم خیلی کم هستند آن هائی که از این راه استفاده میکنند چهار پنج نفر بیشتر نیستند) ما این راه را باز گذاشته ایم. رو به مرقرقه خواهانم باقائیان عرض کنم که نظر دولت در این کار عایدات است و نه تنها عایدات برای مملکت برای مؤسسات است بلکه برای وارد کردن پول بیشتر در مقابل محصول مساوی امروز است. يك محصولی که امروز مثلاً ده کرور بازده کرور پول وارد میکند يك کاری کنیم که همین محصول بیست کرور سی کرور پنججاه کرور وارد کند. این کار يك کاری است که باید مهم بشماریم و مجلس و دولت دنبال او برود. عوائد

لازم داریم و بی عوائد نمیتوانم زندگی کنیم باید این عوائد را پیدا کنیم و از راهی پیدا کنیم که ضرر بکسی نخورد. زارع مالک آن خرده باهائی که از این ممرات استفاده میکنند آنها هم محروم نمائند. این دیگر هم البته این است که ما بایستی برای حفظ نژاد خودمان سعی کنیم. تریاک کشیدن را کم کنیم و راه ترك کردن تریاک و نکشیدن تریاک این است که ما هر قدر میتوانیم وسائل کم از این کار را فراهم کنیم و مشکلتر کنیم مثلاً ملاحظه میفرمائید مثالی عرض میکنم: در چندی قبل از این در اصفهان راجع به اجرائی مقررات تریاک يك مشکلاتی تولید شد. آقا (اشاره به آقای مدرس) باید خاطر مبارکشان باشد از نقطه نظر انبار و نیاری اشکالاتی پیش آمد و در آن موقع راه حلی پیدا کردند و دولت هم قبول کرد. این خیلی بنظر ساده می آمد و عوائد دولت هم کمتر که نشد بیشتر و راحت و ساده تر هم شد. زیرا مفتش نمیکشود. مأمور نمیکشود ظاهرأ مقصود هم انجام میشد. بعد از دو سال چهار سال یعنی امروز می بینیم و مشاهده میکنیم که اولاً در آن ناحیه و خطه تریاک کشی دو برابر شده است اگر عراق آنکرم چهار برابر شده است گذشته از این که مرکز تجارت قاچاق هم درست کرده اند و با نقاط دیگر روابط منظم و مرتبی دارند يك حکایتی است يك داستانی است که عنقریب محاکم عدلیه و دو اثر استنطاقیه شرحش را در روزنامه ها خواهند نوشت و با چه زحمتی بنده کشف کردم پیدا کردم و دادم به دو اثر استنطاقی و بار که و چراغ که آقائیان مسبوق شوند. مسئله حفظ نژاد این مملکت حفظ سلامت افراد این مملکت این يك چیزی است که بر هر منفعتی برتری دارد ما از راه مؤسسه انحصار این مقصود را میخواهیم حاصل کنیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - آقای بامداد
بامداد - عرض کنم ایران دو منبع عایدی برجسته دارد یکی قالی است و یکی تریاک. اولاً اگر خشخاش بکلی معدوم

شود به بنده شخصاً ضرری نمبخورد . بجهت اینکه زارع
 نیستم نادلال و ناچار آقايان هم اغلب اينطورند ولي بنده
 از اين جهت علاقه دارم باین منبع و وقتی که خواستند
 بازی سر این کار در بیاورند که ما تریاک نداشته باشیم و دیگران
 داشته باشند حقیقه من خیالم ناراحت بود و خیلی باید
 تشکر کرد که پیشرفت نکرد این قضیه بمقیده بنده این
 لایحه مخالف زراعت تریاک است (بعضی از نمایندگان
 صحیح است) همان مقصودی را که میخواستند انجام
 دهند بدبختانه طرز تدوین این لایحه انجام داده . دخالت
 دولت . اسم دولت را نایشنود زارع و مالک اس است
 برای اینکه طفره بزند از کشتن و تکار و خود بخود
 تریاک از بین میبرد و همان مقصود حاصل میشود . این
 نجره شده است . ده دفعه بیست دفعه صد دفعه
 نجره شده است و دیده ام که علاوه بر این که دولت اگر
 چیزی را در دست گرفت مباشر خوبی نخواهد بود .
 کاسب : چاروادار ، مالک و ناچار خوبی نیست (نه اینجا
 در تمام دنیا دولت باید این کاره نباشد) يك مناسبی
 بدبختانه ایجاد شده مابین مردم و بعضی مأمورین که
 این ریسمان سیاه و سفید شده تقصیر هم با کسی نیست
 این از همان نوالی از منته سابق است - مأموری که
 از اینجا میبرد پنجاه فرسخی صد فرسخی تصور میکند
 که برای تجارت میبرد . انجام وظیفه از او نمیکشند
 زارع هم خواه نخواه میترسد . آمدیم سر نظریاتی که دولت
 این لایحه را آورده . آقای وزیر مالیه دو نظر فرمودند
 بنده عرض میکنم سه نظر . یکی فرمودند از دیاد عابدی
 یکی حفظ نژاد و آن نظری که خود بنده دارم مرغوبیت
 متاع است . که این متاع خالص و باب بازار دنیا شود
 و بشری که الان عرض میکنم الان نامرغوب است و
 اگر نظارت دقیق شود مرغوب میشود . اما عابدات .
 در نظر سطحی این لایحه عابدات را زیاد میکند این
 شبهه ندارد بجهت اینکه دولت که ناچار میشود شاید
 خودش به بازار های دنیا ببرد ولی بآن نظری که عرض
 کردم ممکن است که اصلاً موضوع یعنی زراعتش را از بین

برد . اضافه عابدات يك تربی دارد . يك دولتی که
 می بیند احتیاجاتی دارد می آید در مجلس شورای ملی ربه
 نمایندگان مردم میگوید که احتیاجات ما از این قرار است
 و عابدات وافی و کافی نیست و عابداتی که میخواهیم باین
 دلیل باین دلیل لازم است و این منابع را در نظر گرفته ام
 ما که مسبق نیستیم البته احتیاجات اقتصادی و توسعه
 اقتصادی ما زیاد داریم اما هنوز ما که مسبق نشده ایم بنده خیال
 میکنم که دولت صرفه در این لایحه از حیث عابدات نخواهد داشت
 اما حفظ نژاد . این لایحه مربوط به حفظ نژاد از
 حیث استعمال مرفین و اینها نیست . برای اینکه اساس
 تأسیس اداره تجدید تریاک برای این کار بود که دیدیم
 بدبختانه نتیجه سوء داد . بدی اداره و آن مفتش بازی
 ها و آن بدبختی هایی که مفتشین سر مردم می آوردند ؛
 ریختن نوبی خانه و همه چاراکشتم که نو تریاک قاچاق داری
 يك چیزی شده است برای پیش رفتن این لایحه . آب
 که برای حفظ نژاد بود و بهیچ اسم هم نوشتند و اداره
 تجدید بود از آن چه نفی بردیم ؟ جز اینکه وقتی روی
 هم رفته فکر کنیم و مضار و منافع را با هم بسنجیم یعنی
 به دیدیم چقدر خرج و چقدر عایدی داشته مضارش
 بیشتر است . پس این لایحه که آقا میفرمایند که نظر
 مستقیم برای حفظ نژاد داریم چطور میتواند جلوگیری کنند ؟
 خیر نظر مستقیم عابدات است بنده عقیده ام این است که
 تریاک باین حال آزاد نباشد آن تقلباتی که در این مال
 التجاره میکنند همانطوری که در قالی جوهری ضرر دارد
 با اینکه قالی بکانه مال التجاره ما است باز آن قدر ها
 برای او ضرر نداشت . زیرا باز آنها مشتری داشت
 چنانچه مکرر صحبت شد ولی در موضوع تریاک دو نك
 يك نك گنجبیده داخل کردن این متاع ما را بکلی
 خراب و در بازار دنیا ورشکست کرده . حتی پیرار سال
 در هنگانگ که مرکز عمده فروش تریاک بود حکم کردند
 يك عمده زیادی جمعه های تریاک را بدریا ریختند زیرا
 مشتری نداشت و میخواستند بطور قاچاق بفروشند در
 صورتیکه تریاک ایران مرغوب ترین تریاک ها است .

خود چین که يك مقدار هنگفتی که درست در نظر
 ندارم همان میکنم صد هزار تن یا بیشتر تریاک دارد معذک
 تریاک ما را طالب بود زیرا هم معطر تر است هم مرفینش
 زیاد تر است و هم مکیف تر است . تریاک ما مشتری دارد
 فرض بفرمایید پارسال از ما تریاک خواسته بودند و ما
 فریب هفده کرور پول وارد کردیم و سفارش ها داده
 بودند . حالا اگر دولت غیر مستقیم بیاید نظارت دقیق
 کند در عمل آوردن این محصول و بقول این لایحه
 تباری تریاک را در نظر بگیرد که گنجبیده داخل نکنند
 و تریاک خالص باشد آنوقت با این ترتیب
 هم عابداتش زیاد میشود و هم منفعتش برای دولت بیشتر
 است و هم در بازار دنیا آرومند هستیم بواسطه این
 مال التجاره و هم تضییق بر مردم نمیشود . بنده عقیده ام
 این است که قرار بگذارند که نیازی تریاک یعنی بعد از
 آن که از خشخش شیره را بگیرند در تحت نظر دولت
 باشد و برای این يك مبلغی بگیرد پنج تومان ، ده تومان
 بگیرد . هیچ اهمیتی هم ندارد يك طریق مخصوصی هم برای
 صرف در داخله همین کنند و در مسأله تجدید و قوانین
 آن هم تجدید نظری بکنند . در کمرک از قسمت های تریاک
 خصوصی که با مراقبت دولت درست شده يك حق التجاره
 و حق کمرکی جمعه پنجاه تومان نصت تومان میکنند
 بنده عرض میکنم جمعه صد تومان بگیرند ممکن است و
 جا دارد که علاوه بر اینکه حالا میکنند بگیرند . چرا ؟
 زیرا این جمعه های تریاک ما از پنجاه تومان تا پانصد تومان
 بیشتر برای مالفع دارد یکی برای اینکه حقیقه نامرغوبش
 کرده اند دیگر برای قسمت های قاچاقی که سر پرست
 ندارد . دیگر برای همان قسمتهایی که حضرت و لا فرمودند
 رقابت و بررغم ارزانتر فروختن . به شما جمعه هزار تومان میرسد
 حد اعلايش (ماکزیم) جمعه هزار تومان میرسد ولی
 جمعه ده هزار تومان فروش میبرد . آئین بنده اطلاع
 دارم . اغراق نمیکویم حتی در موقع که شلوغی بود چین
 چون ورود تریاک را سالها هست چین منع کرده و تریاک
 کسی را غدغن کرده و حالا هم هر چه میبرد قاچاق است

این ژرال های متعدد که هر کجا مالوك الطوابقی تشکیل
 داده بودند جمعه پنج هزار تومان شش هزار تومان
 بانها داده میشد که اجازه قاچاق بدهند و آنها را ندیده
 بگیرند
 مدرس - همان منشأ لایحه شد
 نامداد - شوخی نیست این مسئله . حقیقه پنج هزار
 تومان آنها میگرفتند برای اینکه خودشان حمل کنند و
 کمرک کاری نداشته باند پس بنا بر این اگر بیایند این
 نظارت دقیق را از اول نکنند هم برای دولت عایدی هنگفت
 پیدا کرده ایم و هم این مال التجاره در بازار دنیا آرومند
 فروش رفته و اگر درست حساب بفرمایید با این قسمت
 مراقبت ها و نظارت و دریافت حق التجاره به و
 خروجی مبلغی صد خودتان نسبت باین لایحه حساب
 کرده اید بیشتر خواهد شد ولی حساب نکرده اند
 همینقدر فهمیده اند که از حیث احتیاجات در مضیقه
 هستند دولت محتاج بيك عابدی است دیده اند يك
 عابدی بر جسته جلا با افتاده است تریاک گفته اند خیلی
 خوب می آید از این راه پیدا میکنیم اما خیلی ببخشید
 و غایت عنك اشياء . در ماده سیزده مینویسد : (برای
 اجرای این قانون و ترتیب تقطیس و جلوگیری از قاچاق
 تریاک و شیره وزارتین مالیه و داخله مکلف بتدوین
 نظامنامه هستند) این ماده سیزده يك ماده عجیبی
 خواهد بود حقیقه خلاف مقصود شما را فراهم خواهد
 کرد حساب کنید اینطوری که بنده عرض میکنم پیشرفت
 ندارد . با بیاید کار دیگر کنید . دولت کار خودش
 را بکنند مردم کار خودشان را با يك مؤسسه ملی
 آرومند که محل اعتماد باشد تشکیل بدهند و با او قرار
 بگذارند و انحصار را بدهند بدست آنها نه يك مؤسسه
 مرکزی دارای شعبات باشد خبر در هر نقطه که میخواهند
 نقاط حاصلخیز شما کجا است ؟ حساب کنید فارس است
 است بروجرد و لرستان و خراسان است این ها را
 حساب کنید
 روحی - عملی نیست

شود. به بنده شخصاً ضرری نمیخورد. بجهت اینکه زارع بستم نادلال و ناچر آقابان هم اغلب اینطورند ولی بنده از این جهت علاقه دارم باین منبع و وقتی که خواستند بازی سر این کار در بیاورند که ما تریاک نداشته باشیم و دیگران داشته باشند حقیقه من خیالم ناراحت بود و خیلی باید تشکر کرد که پیشرفت نکرد این قضیه بعقیده بنده این لایحه مخالف زراعت تریاک است (بعضی از نمایندگان صحیح است) همان مقصودی را که میخواستند انجام دهند بدبختانه طرز تدوین این لایحه انجام داده. دخالت دولت. اسم دولت را نباشنود زارع و مالک بس است برای اینکه طرفه بزند از کشتن و نکارد و خود بخود تریاک از بین میرود و همان مقصود حاصل میشود. این تجربه شده است. ده دفعه بیست دفعه صد دفعه تجربه شده است و دیده ایم که علاوه بر این که دولت اگر چیزی را در دست گرفت مباشر خوبی نخواهد بود. کاسب: چاروادار، مالک و ناچر خوبی نیست (نه اینچا در تمام دنیا دولت باید این کاره نباشد) یک مناسبانی بدبختانه ایجاد شده مابین مردم و بعضی مأمورین که این ریسمان سیاه و سفید شده تقصیر هم با کسی نیست این از همان توالی ازمنه سابق است - مأموری که از اینجا میبرد پنجاه فرسخی صد فرسخی تصور میکند که برای تجارت میبرد. انجام وظیفه از او نمیخواهند زارع هم خراب نخواهد میترسد. آمدیم سر نظریاتی که دولت این لایحه را آورده. آقای وزیر مالیه دو نظر فرمودند بنده عرض میکنم سه نظر. یکی فرمودند از دیاد عایدی یکی حفظ نژاد و آن نظری که خود بنده دارم مرغوبیت متاع است. که این متاع خالص و باب بازار دنیا شود و بشرحی که الان عرض میکنم الان نامرغوب است و اگر نظارت دقیق شود مرغوب میشود. اما عایدات در نظر سطحی این لایحه عایدات را زیاد میکنند این شبهه ندارد بجهت اینکه دولت که ناچر میشود شاید خودش به بازار های دنیا برود ولی بآن نظری که عرض کردم ممکن است که اصلاً موضوع یعنی زراعتش را از بین

برد. اضافه عایدات یک تربی دارد. یک دولتی که می بیند احتیاجاتی دارد می آید در مجلس شورای ملی و به نمایندگان مردم میگوید که احتیاجات ما از این قرار است و عایدات وافی و کافی نیست و عایداتی که میخواهیم باین دلیل باین دلیل لازم است و این منابع را در نظر گرفته ایم ما که مسبق نیستیم البته احتیاجات اقتصادی و توسعه اقتصادی ما زیاد داریم اما هنوز ما که مسبق نشده ایم بنده خیال میکنم که دولت صرفه در این لایحه از حیث عایدات نخواهد داشت اما حفظ نژاد. این لایحه مربوط به حفظ نژاد از حیث استعمال مرفین و اینها نیست. برای اینکه اساس تأسیس اداره تجدید تریاک برای این کار بود که دیدیم بدبختانه نتیجه سوء داد. بدی اداره و آن مفتش بازی ها و آن بدبختی هایی که مفتشین سر مردم می آوردند: ریختن توی خانه و همه جار را کشتن که تو تریاک قاچاق داری یک چیزی شده است برای پیش رفتن این لایحه. آن که برای حفظ نژاد بود و بهیچ اسم هم نوشتند و اداره تجدید بود از آن چه نفی بردیم؟ جز اینکه وقتی روی هم رفته فکر کنیم و مضار و منافع را با هم بسنجیم یعنی به بینیم چقدر خرج و چقدر عایدی داشته مضارش بیشتر است. پس این لایحه که آقا میفرمایند که نظر مستقیم برای حفظ نژاد داریم چطور میتوانیم جلوی کشتن خیر نظر مستقیم عایدات است بنده عقیده ام این است که تریاک باین حال آزاد نباشد آن نقلاتی که در این مال التجاره میکنند همانطوری که در قالی جوهری ضرر دارد با اینکه قالی بکانه مال التجاره ما است باز آن قدرها برای او ضرر نداشت. زیرا باز آنها مشتری داشت چنانچه مکرر صحبت شد ولی در موضوع تریاک دو نیک یک نیک گنجینه داخل کردن این متاع ما را بکلی خراب و در بازار دنیا ورشکست کرده. حتی پیرار سال در هنگامیکه مرکز عمده فروش تریاک بود حکم کردند یک عده زیادی جمعیه های تریاک را بدریا ریختند زیرا مشتری نداشت و میخواستند بطور قاچاق بفروشند در صورتیکه تریاک ایران مرغوب ترین تریاک ها است.

خود چین که یک مقدار هنگفتی که درست در نظر ندارم همان میکنم صد هزار تن یا بیشتر تریاک دارد معذک تریاک ما را طالب بود زیرا هم معطر تر است هم مرفینش زیاد تر است و هم مکیف تر است. تریاک ما مشتری دارد فرض بفرمائید پارسال از ما تریاک خواسته بودند و ما تریاک هفتده کرور پول وارد کردیم و سفارش ها داده بودند. حالا اگر دولت غیر مستقیم بیاید نظارت دقیق کند در عمل آوردن این محصول و بقول این لایحه نیازی تریاک را در نظر بگیرد که گنجینه داخل نکنند و تریاک خالص باشد آنوقت با این ترتیب هم عایداتش زیاد میشود و هم منفعتش برای دولت بیشتر است و هم در بازار دنیا آرومند هستیم بواسطه این مال التجاره و هم تضییق بر مردم نمیشود. بنده عقیده ام این است که قرار بگذارند که نیازی تریاک یعنی بعد از آن که از خشخش شیره را میگیرند در تحت نظر دولت باشد و برای این یک مبلغی بگیرد پنج تومان، ده تومان بگیرد. هیچ اهمیتی هم ندارد یک طریق مخصوصی هم برای صرف در داخله معین کنند و در مسئله تجدید و قوانین آن هم تجدید نظری بکنند. در کمربند از قسمت های تریاک خصوصی که با مراقبت دولت درست شده یک حق التجاره به حق کمربند جمعیه پنجاه تومان نصت تومان میگیرند بنده عرض میکنم جمعیه صد تومان بگیرند ممکن است و جا دارد که علاوه بر اینکه حالا میگیرند بگیرند. چرا؟ زیرا این جمعیه های تریاک ما از پنجاه تومان تا پانصد تومان بیشتر برای ما نفع دارد یکی برای اینکه حقیقه نامرغوبش کرده اند دیگر برای قسمت های قاچاقی که سر پرست ندارد. دیگر برای همان قسمتهایی که حضرت والا فرمودند رقابت و بررغم ارزانتر فروختن. به شما جمعیه هزار تومان میرسد حد اعلاش (ماکزیمم) جمعیه هزار تومان میرسد ولی جمعیه ده هزار تومان فروش میبرد. آنگاه بنده اطلاع دارم. اغراق نمیکویم حتی در موقعی که شلوقی بود چین چون ورود تریاک را سالها هست چین منع کرده و تریاک کسی را غنغن کرده و حالا هم هر چه میبرد قاچاق است

این ژنرال های متعدد که هر کجا مالوک الطوابقی تشکیل داده بودند جمعیه پنج هزار تومان شش هزار تومان بانها داده میشد که اجازه قاچاق بدهند و آنها را ندیده بگیرند...

مدرس - همان منشأ لایحه شد
 نامداد - شوخی نیست این مسئله. حقیقه پنج هزار تومان آنها میگردند برای اینکه خودشان حمل کنند و کمربند کاری نداشته باشد پس بنا بر این اگر بیایند این نظارت دقیق را از اول بکنند هم برای دولت عایدی هنگفت پیدا کرده ایم و هم این مال التجاره در بازار دنیا آرومند فروش رفته و اگر درست حساب بفرمائید با این قسمت مراقبت ها و نظارت و دریافت حق التجاره به و خروجی مبلغی که خودتان نسبت باین لایحه حساب کرده اید بیشتر خواهد شد ولی حساب تک کرده اند همینقدر فهمیده اند که از حیث احتیاجات در مضیقه هستند دولت محتاج بیک عایدی است دیده اند یک عایدی برجسته جلو پا افتاده است تریاک گفته اند خیلی خوب می آید از این راه پیدا میکنیم اما خیلی ببخشید و غایت عنک اشیاء. در ماده سیزده مینویسد: (برای اجرای این قانون و ترتیب نقیض و جلوگیری از قاچاق تریاک و شیره و زارین مالیه و داخله مکلف بتدوین نظامنامه هستند) این ماده سیزده یک ماده عجیبی خواهد بود و حقیقه خلاف مقصود شما را فراهم خواهد کرد حساب کنید اینطوری که بنده عرض میکنم پیشرفت ندارد. با بیاید کار دیگر کنید. دولت کار خودش را بکنند مردم کار خودشان را با یک مؤسسه ملی آرومند که محل اعتماد باشد تشکیل بدهند و با او قرار بگذارند و انحصار را بدهند بدست آنها نه یک مؤسسه مرکزی دارای شعبات باشد خبر در هر نقطه که میخواهند نقاط حاصلخیز شما کجا است؟ حساب کنید فارس است است بروجرد و ارسنان و خراسان است این ها را حساب کنید...

روحی - عملی نیست

بامداد - خیلی خوب عملی است این مسئولیت را بدهید بآن کسانی که این کاره هستند و در این کار بوده اند و از زارع سلف میخرند و پول پیش میدهند بک حاج عبدالحسین بود در خراسان این وقتی مارکش روی جعبه تریاک بود صدها علاوه میخریدند . تجزیه نکرده میخریدند . بک همچو اشخاصی هستند با آنها قرار بدهید . شما گمرک خروجی خودتان را بگیرید و با آنها قرار بگذارید که از معاملات آنی که میکنند و منافعی که میبرند فلان قدر بشما بدهند خدا میداند هم زارع مرفه و آزاد است و هم گریبانش خلاص است از دست مأمورین مالیه که هر بدبختی که رد میشود میگوید تو قاچاق کردی . تو عرض حال دادی که بک جریب بکاری چرا بک جریب نیم در جریب کاشی مردم نمی فهمند مردم از نظامات مطلع نمیشوند روزنامه نمیخوانند و تولید بک گرفتارهایی میشود . بیایید بک کاری کنید که هم دولت بوظائف خودش عمل کند هم مردم راحت باشند . آقا در تجدید تجربه کردید بد شد در حمل و نقل تجربه کردید بد شد و اخیراً مجبور شدید بکمپانیها واگذار کنید . در پست و تلگراف تجربه کردید . شما هر کاری را که خودتان دست گرفته بد شد . هر ملک خالصه که بدست گرفتید بدتر از ملک اربابی شد . این معین است شبهه ندارد . ملاحظه کنید کسیکه مباشرت ملکش را میکند و محصولش را خودش حمل و نقل میکند نا اینکه دولت بکند چقدر نفوت دارد . صدی پنجاه بود چه اش فرق میکند . این را بنده نمیگویم این را دنیا حساب کرده این مفروض عنه است که کاری را که اشخاص آزاد میکنند نا دولت خیلی فرق دارد پس بنا بر این بنده تصور می کنم در عوض نفع ضرر دارد . حفظ ثزاد هم نمیشود . همانطور که تجدید تریاک نکرد . نظر کلی عایدات است . امروز حقیقه مسخره است که بک دولت ایران بفرمایش آقای وزیر مالیه بک مملکت بان پهناوری آوقت دارای بیست و هفت میلیون بود چه باشد . درست است بیست و هفت میلیون ولی بیشتر از این مردم ندارند حساب این را بکنید . گفت بدرت از گرسنگی مرد گفت

داشت و نخورد ؟ مردم بیشتر از این ندارند شما اول بداید از برای مملکت و این مردم عابدی و ثروت درست کنید بعد دوبست میلیون بگیرید . اصول دولت یعنی مؤسسه عمومی به تناسب قبول مردم است . بنده عقیده ام این است که شما با این ترتیب بجای اینکه قبول ایجاد کنید کم میکنید . حساب کنید به بنید از نظارت و گمرک خروجی باناسیس مؤسسات میتواند این را جبران کنید ؟ حقیقه کاری کنید که نه سیخ بسوزد نه کباب نه شما تریاک فروش شده باشید و نه مردم بدبخت از دست بروند این نظریات بنده بود که عرض کردم حالا خودتان میدانید ؟

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی بنده مخالفم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده در مواد عرض دارم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

عراقی - بنده تصور میکنم نماینده محترم آنچه اشکالات نسبت بان لایحه داشتند راجع بعملیاتی بود که اداره تجدید تریاک نسبت مردم کرده بودند و این لایحه را عاجالتاً خوب نمیدانستند در صورتیکه بنده تصور میکنم آن قسمتهائی را که ایشان فرمودند آقای وزیر مالیه کاملاً جواب دادند و گویا ایشان متوجه آن قسمت ها نبودند ما باید دو چیز را حفظ کنیم : یکی قسمت ازدیاد عایدات است . یکی جلوگیری از استعمال تریاک بان ترتیبی که فعلاً در مملکت رواج است و این لایحه هر دو قسمت را شامل است حالاً شاید در بعضی از موادش بنده هم اشکال داشته باشم ولی این دو قسمتی که طرف توجه دولت و مجلس است یکی کم شدن استعمال تریاک بان ترتیبی که در مملکت هست و یکی هم ازدیاد عایدات است . آقای بامداد فرمودند باید تریاک خوب باشد و چیزی و داخل داشته باشد تا در بازار دنیا بتوانیم رواج دهیم تا فایده اش زیاد باشد و نفع ببرم

ولی این قسمتی که باید اجازه نامه صادر کند که دو جریب بکار بعد میگویند که چرا سه جریب کاشی این قسمت ها قسمتهائی است که همین نظامنامه را که آقا میفرمودند این نظامنامه چیز غریب و عجیبی است این قسمت هائی که اسباب اختلاف و صدمه زارع است مربوط بان نظامنامه است این هارا باید در آنجا گنجانند که زارع هم راحت شود ولی چیزی که مقصود اصلی است ازدیاد عایدات و کم شدن استعمال تریاک است در داخله مملکت هر دو اینها را باید طرف توجه و دقت قرار دهیم خیال میکنم هر دو این قسمت را پیشنهاد دولت و این لایحه شامل خواهد بود بلی بک قسمتی را که سرکار از اجتناب دارد که تجدید را بدید بد رشد یا استعمال تریاک موقوف نشد همان موجب شد که این لایحه را بیاورند بمجلس . علاوه صدمه که مدتهاست زارع و رعیت وارد میشود بواسطه اختلافاتی است که برای گرفتن مالیات مستقیم بین رعایا و دولت ایجاد میشود . . .

مدرس - اینهم ایجاد میکند

عراقی - خیر این ایجاد نمیکند . این لایحه و بعضی لواج دیگر مثل تنباکو این ها باید مقدمات باشد که آن رعیت بدبخت آسوده شود . مالیات ارضی که موجب اختلافات شدید بین دولت و مردم و اسباب زحمت زارعین بوده باید موقوف شود . پس آقایان خوب است در کلیات موافقت بفرمائید و در موادش اگر اشکالاتی دارند در موقعی که آن مواد مطرح میشود بفرمائید و پیشنهاد اصلاحی هم اگر در آن مواد دارند بفرمائید و الا بطور کلی ازدیاد عایداتش که خیلی خوب است و جلوگیری از استعمال داخلی هم بعقیده بنده اشکال ندارد .

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده با اینکه دولت معامله تریاک را منحصرأ خودش بکند مخالف نیستم با مواد این لایحه هم مخالف نیستم ولی گاهی بک نماینده دچار نظامنامه میشود که

اگر بخواند بک چیزهایی بفهمد ناچار است بعنوان مخالفت وارد مطلب شود . این لایحه بعقیده بنده بک نقیصه مهمی دارد و راجع بیک ماده مخصوصی هم نیست که بنده در حین مذاکره در مواد عرض کنم . بک چیزی اضافه شده است در این لایحه علاوه بر آنچه فعلاً معمول است و مسئله جزاری است این است که گفته میشود زارعین باید قبل از زراعت تریاک بفاصله سه ماه از ادارات مالیه تقاضا کنند که فلان مقدار میخواستیم زراعت کنیم مالیه هم جواز بدهد بروند زراعت کنند البته این مشکلاتی برای زارعین ممکن است تولید کند . این قدر مسئله اهمیت ندارد . آن چیزی که خیلی اسباب زحمت زارعین است و الان هم هست مطابق رویه معمولی کنونی مسئله جزاری است و بالاخره عملیاتی که مأمورین و مفتشین در موقع جزاری و تقطیس میکنند این مسئله قابل توجه است و در این قانون ابداً ذکر نشده در صورتیکه میبایست در بک صفحه از این قانونی مواد مربوطه به جزاری ذکر شود . معلوم میشود که دولت میخواهد بنظامنامه که مدون میشود برگذار کند بعقیده بنده زیرا که جواز گرفتن زارع از دولت برای زراعت تریاک اینقدر ها اهمیت ندارد بنده فرضاً زارع میخواهم سه جریب زراعت کنم میروم تقاضا میکنم جواز میدهند ولی ماده سوم میگوید صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره تریاک های خود را بانبارهاییکه وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است تحویل داده و قبض رسید دریافت دارند . چه مقدار شیره همان مقدار است که مأمورین بازدید میکنند با همان مقداری است که به عمل میآید ! تمام مزاحمت و مناقشات این است قاچاق از آنجا پیدا میشود . بالاخره عمل جزاری و مزاحمت مربوطه بانرا که متوجه رعیت میشود اشخاصی میدانند که عمل زراعت تریاک را میکنند که هر چه زحمت متوجه زارع و رعیت میشود در این موقع است معمول وزارت مالیه این بود که موقع جزاری در غالب نقاط مملکت دو ماه هفتاد روز بعد از عید بک مأمورین فوق العاده را استخدام

کرده اند يك اشخاص منتظر خدمت اشخاصی که نحت
 اشل هستند و مدتها گرسنگی خورده اند اینها منتظر
 موقع جزاری هستند مدتی هم خیلی محدود است بیست
 روز یکماه چهل روز بیشتر طول نمیکشد اینها را باید
 حقوقهای خیلی کمی شاید با ده تومان و بیست تومان
 مأمور جزاری میکنند و میروند در موقع جزاری يك
 بازدید هائی میکنند و در این بازبیدها يك استفاده های
 نامشروعی میکنند که خود وزارت مالیه میداند و يك
 زحمانی برای رعیت تولید میکند که محصول زراعت شما
 امسال دو من شیره است. اتفاق میافتد در موقعی که
 میخواهند شیره را جمع آوری کنند باصطلاح عصر معمولاً
 تیغ میزنند که صبح شیره را بگیرند شب باران میآید
 و يك قسمتش از بین میرود بالاخره رعیت باچه مقدمات
 باید ثابت کند که آنطوری که تخمین شده است و جزاری
 شده عمل نیامده خود آقای وزیر مالیه میدانند که
 خیلی مشکل است. بعلاوه غرض رائیهائی مأمورین
 در این موقع میکنند میگویند اگر ده تومان میدهی من
 دو من و اگر نمیدهی سه من است. معاملات اینطوری
 است. خیلی باز و روشن. همه می دانیم وزارت
 مالیه هم نمیتواند جلو گیری کند. عمل طوری است که
 راهی غیر از این ندارد. بنده هر چه مطالعه کردم در
 این لایحه بینم برای آن موقع حساس زراعت زیاد
 که برای رعایا اهمیت دارد چه فکری کرده اند چیزی
 ندادم. دولت در این لایحه این قسمت را مسکوت عنه
 گذاشته است. بعقیده بنده میباشد يك موادی را جمع
 بخزاری در این لایحه پیش بینی کنند. دیگر از چیز
 هائی که مربوط باسناد این لایحه است که میخواهم
 عرض کنم مخالفم از این نظر است که اشکالاتم را عرض
 کنم والا با این لایحه بنده موافقم چون با دولت موافقم
 و موقع هم دارم که اصلاحاتی که در این لایحه بانظر
 خود دولت بشود آن چیزی که مد نظر بنده و سایر آقایان
 است و خود دولت عقیده داشته مسئله الغاء مالیات
 ارضی است. دولت در سابق يك لایحه جامعی آورد که

بیاید اجازه بدهید معامله زیادك انحصاری بشود نون
 و نیاگو و قسمت مالیات ارضی موقوف شود بعقیده
 بنده بهترین اواخ بود که آمده بود مجلس. حالا که
 ما میآئیم يك زحمانی متوجه طبقه خاصی از زارعین
 می کنیم در ازای آن خوب است که دولت هم با ما این
 معامله را بکند که مالیات ارضی و اغنام و احشام
 ماقی شود. در عین حال بنده عقیده دارم که
 نون و نیاگو هم باین انحصار علاوه شود مسئله
 رسومات هم اضافه شود بالاخره آنچه چیزهای غیر ضروری
 است در این مملکت دولت هر چه میخواهد بکند و هر
 تضییقی لازم است بکند ولی آنچه مربوط به عامه است و
 بالاخره تحمیل بارزاق عمومی میشود به حسابی که بنده
 مالیات بر زراعت گندم و جو تقریباً مالیات بر ارضی
 عمومی است اگر معنی دقیق وارد شویم در قسمت وصول
 و ایصالش هم مخارج زیاد است بنده در يك ولایت کوچکی
 که اطلاع دارم هجده هزار قبض مالیاتی باید صادر
 شود ناسی هزار تومان بشود سیصد دینار داری
 شاهی دارد دو قران دارد يك من جو دارد دو من و نیم
 دارد تا پنج خروار تمام مردم خمس دارند نامأورین
 دولت هیچکس راحت نیست. حالا اگر از این مالیات
 يك طبقه خاصی دچار اشکالات ممکن است بشوند ولی در
 مالیات ارضی و اغنام و احشام تمام مردم مبتلا هستند
 این است که بنده خواهش میکنم از آقای وزیر مالیه
 که با ما موافقت کنند آن لایحه اولی خودشان مطرح
 شود نون و نیاگو هم ضمیمه انحصار شود این مؤسسه
 انحصار که دائر میشود همان کار را بکنند که اگر
 عوارض بیشتری دارد چنان مالیات ارضی بشود. مالیات
 بر عایدات هم يك مقدار کمی برقرار شود که به بینم
 چه درمیآید. همان نظری که قبلادولت داشت. آنوقت
 ما هم باین لایحه کاملاً موافقیم گمان میکنم سایر آقایان
 هم همینطور. حالانکه اصرار ندارم که امروز بشود ممکن است
 قبلاً این لایحه را ما رأی بدهیم ولی دولت هم تعهد کند
 با نظر مادر این باب موافقت کند. بالاخره نظر خودتان

آوردند مجلس منتها کسب و نون مالیه آنطوری که باید موافقت
 نکرد. تجزیه کرد. خلاصه انتقالش را عیضه آورد باقی
 فتنه هائیش هم همینطور. مقصود ما این بود که آن لایحه
 اولی که بنظر ما معتبر است بیآورند ما رأی بدهیم و قسمت
 جزاری هم در این لایحه يك زبانی بشود که اسباب
 زحمت نباشد

رئیس - آقای مدرس

مدرس - مخالفم

رئیس - آقای نقی زاده

نقی زاده - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - مخالفم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - مخالفم

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ اسامی آقایانی که
 اجازه خواسته اند خوانده میشود و اغلب مخالف هستند
 با اصل کسی مخالف نیست.

مدرس - چرا.

وزیر مالیه - خوب فقط جناب عالی با اصل هم مخالفید
 ولی کسی با اصل مخالف نیست وقتی که وارد مواد شدیم
 مخالف با اصل و مخالف با جزئیات روشن میشود در این
 قبیل اواخ همیشه اگر این اظهارات را در روی مواد
 بکنیم بهتر است چون معلوم میشود مخالفت در کجاست
 و قابل اصلاح است یا نیست. آقای باستانی در ضمن
 اظهاراتی که میفرمودند يك تذکری دادند راجع بلایحه
 مالیات ارضی یعنی الغاء مالیات ارضی و تأسیس مالیات
 بر عایدات و انحصارها که ما همه را در يك لایحه جمع
 کنیم این صحیح است منظور و سیاست دولت و تصمیم
 دولت همین است بنده هر وقت اینجا (خاطر آقایان
 هست) صحبت اصلاح قانون مجزی بوده آمده ام و این
 عرض را کرده ام که نظر اصلی دولت این است ولی
 البته برای مساعدت با نظر آقایان که این را اینطور
 اصلاح کنند ما هم مساعدت میکنیم اما ما مصاحبت

مملکت و مصاحبت کار را اینطور تشخیص داده ایم که
 باید مالیات بر عایدات برقرار شود و مالیات ارضی و حتی
 عوایدی که از هر دیگر هم تا يك حدی حاصل میشود
 آنها هم باید معاف باشد که عبارت از اخیری الغاء مالیات ارضی
 از این راه بشود در لایحه سابق هم ما نوشته بودیم که
 مالیات ارضی ماقی است ولی نوشته بودیم که عایدی از
 املاک و از چه مبلغ کمتر بهش مالیات تعلق بگیرد و
 روهمرفته وقتی در این مملکت حساب کنید این مثل
 الغاء مالیات ارضی است برای اینکه اشخاصی که بیشتر
 از فلان مبلغ عایدی داشته باشند اگر چیزی از این
 بابت بدهند نمیشود گفت يك استثنائی است. ما با همه
 اینها موافقیم زیاد را هم معتقدیم که عملاً و اصولاً که
 باسقی انحصار باشد و هیچ ضرری هم اتفاقاً در این قبیل
 انحصار نیست و حتی (این را برای تذکر آقای بامداد
 عرض میکنم) آن اشخاصی هم که قائلند که دولت بد
 ناچار بد عامل و بد مالکی است و بنده خودم هم یکی
 از آنها هستم و اصولاً هم این عقیده را دارم و در عمل
 هم هر روزه مشاهده میکنم در قسمت خلاصه ولی آشنائی
 که این عقیده را دارند و در مالکی که حکم فرماست
 این عقیده باز در يك چیزهائی هست که قائل باشند
 میشوند و آن مسائلی است که باید صورت انحصار داشته
 باشد. در اغلب جاها ملاحظه میفرمائید دخانیات
 انحصار است چون طبیعت بعضی چیزها يك طبیعی است
 که نفعش از برای جامعه و برای دولت بصورت انحصاری
 بیشتر میشود و آن معایبی که از عمل مستقیم دولت
 حاصل میشود در اینجا کمتر میشود. مینای تحقیق را
 هیچوقت نباید در روی يك سوء ظنهائی گذاشت. اگر
 از مأمورین نا رضایتی داریم که دنبال کار میروند و کار را
 درست انجام نمیدهند این را نباید اساس قرارداد و انحصار را
 قائل شد اگر زندگانی شما روی این اصل باشد نمیشود
 اینها را باید اصلاح کرد پس به آقای باستانی عرض میکنم
 که ما از نقطه نظر دولت با این مخالفی نداریم حتی رفقی
 کسبیون قوانین مالیه که امروز عصری جلسه خوانسته

بودند برای مذاکره مالیات اربابی بنده به آقایان تذکره دادم آقایان هم پذیرفتند که اصلاح مطامع هم در آن لایحه اولی دولت بکنند. اساساً چه عیبی دارد از اینکه يك مسئله باین خوبی را آقایان تعقیب بکنند که پس فردا از کمیسیون قوانین مالیه بیرون بیاید و مالیات ارضی الغاء بشود ولی بنده عرضی که به آقای باسائی میکنم و تقاضائی که از رفقا میکنم این است مطابق تجزیه که ما کردیم هر قدر ما کارها را از هم تفکیک کنیم بهتر است و مقصود واحد را ممکن است بصورت تجزیه هم حاصل کرد از آن جمله لایحه خالصه انتقالی را همانطور که آقای باسائی تذکر دادند آوردند در مجلس و تصویب شد حالا قسمت انحصار زریک است این را هم آقایان موافقت بفرمایند پشت سرش هم موافقت بفرمایند قسمت مالیات بر عایداتش را بیاورند انحصار دخانیاتش را هم بیاورند انحصارات دیگرش را بیاورند خودمان لایحه را داده ایم سیاست ما هم هست تقاضا میکنیم شما مساعدت کنید، موافقت کنید ولی اگر امروز بخواهید این را عقب بیندازید و آنها را مخلوط کنید و همه را يك مرتبه بیاورید بگذرانید این خلاف مصلحت است بنده مخصوصاً از آقای باسائی و رفقای دیگر تمنا میکنم که این خلاف مصلحت را فکری نکنند برای اینکه بنده میدانم آقایان موافقت و در موافقت میخواهند اصلاح کنند. این لایحه را بگذارند همینطور باشد لایحه دیگر را بیاورند. آقا فرمودند دولت تمهید کند. دولت از پیشنهاد خودش که تقدیم کرده تمهید بالا نری بکند؟ حالا هم عرض میکنم که کمیسیون قوانین مالیه همین امروز عصر جلسه بعد موافقت کنند هیچ مانع و محظوری از جانب ما در این لایحه نیست و اینهم که در قسمت جزای یا جزای فرمودند این قانون بایستی يك موادی داشته باشد بنده تصور میکنم اینجا نظر بهمان مشکلاتی که خودشان اظهار کردند برای اینکه معلوم شود عیب این کارها در چیست باید قبلاً مطلب معلوم شود که آیا اصول بدست و آن اصول را میخواهیم در قانون تغییر بدهیم؟ این که نیست شما

میکوئید طرز عمل بد است. این مطلب با اندازه روشن است که هر قدر هم يك اصلی خوب باشد وقتی که لایحه است طرز عمل بد میشود. طرز عمل و اینها يك چیز هائی نیست که در قانون بشود درست کرد اینها را باید در ضمن عمل درست کرد شما نظری دارید بفرمائید ما اجرا کنیم. بعلاوه يك نکته را تذکر بدهم يك قسمت عمده از معایبی که حالا هست با انحصار رفع میشود چون قاچاق در داخله باقسام مختلف همه از بین میرود برای اینکه انبار میشود، خریدار منحصر میشود، قیمت معین است، روشن است مثلاً امروز بالا برود فردا پائین برود قایم بکنیم ببینیم چه میشود، یکی دیگر را ببینیم چه میکند. اینها از بین میرود، انبارهای منحصری خریداری میکنند. قسمت عمده معایبی که الان هست با انحصار از بین میرود ولی باز اگر آقای باسائی نظر دارید و يك موادی ممکن است تا همین خاطراتان را بکنند پیشنهاد بفرمائید بنده با شما موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مدرس - مخالفم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - البته در دنیا اغلب چیزها نظیر دارد. نظیر وزرای ما و دولت ما سابق هم بوده است یکی از حکومت های مصر میدانم خصیب بود یا کافور قدغن کرد درخت انگور نکارند بجهت اینکه شراب حرام است قدغن کرد اصلاً درخت انگور نکارند. حالا مفاسد مرتبه زریک محل شبهه نیست اگر میشد این مفاسد مخصوص در ایران رفع میشد خیلی مقصود خیلی خوبی بود اما راهش چیست باید پی راهش گشت که از چه راهی ما موفق شویم که این سم اسباب زحمت نباشد در داخله. عقیده من این است که راهش نکاشتن زریک در ایران نیست و این لایحه نتیجه اش نکاشتن زریک است در ایران... وزیر مالیه - اینطور نیست.

مدرس - حالا حسابش را میکنیم. اگر ما تبادل افکار بکنیم که چه بکنیم که مردم زریک نکارند اسهل طرف

این است که ناجری که از اینجا میخواهد بیرون برود با اجازه دولت باشد من شرط میکنم که کاری بشود سهولت که امسال که میاید در ایران دیگر زریک کاری نشود. چرا؟ بجهت اینکه جواز میخواهند از مالیه مالیه می گوید حالا صلاح نیست، دو ماه دیگر، سه ماه دیگر، چهار ماه دیگر، ناجری که ده هزار تومان، صد هزار تومان زریک خریده پنج ماه که جوازش را عقب بیندازند ده هزار تومان که بهش ضرر خورد دیگر همچو زریکی را نمیکرد که محتاج با اجازه مالیه باشد. ناجر که نخرید زارع هم نمیکارد بسیار آن کسی که قوه عاقله این فکر بوده است خیلی قوه عاقله متینی بوده است و يك طریق خیلی آرام بی صدائی بی ندائی است به زارع خودم اگر بگویم چرا زریک نکاشتی میگویی ناجر نمیکرد دولت میخورد. حالا آمدیم سر دولت. در یکی از دهات موقوفه در ورامین پنج شش من زریک داشت. ما رجوع کردند گفتیم ما اولاً تابع قانونیم نعلب نکنید دزدی نکنید همان که بر میدارید ببرید نوری انبار چون همین جوری که در امور دینی شخصی باید مقید باشد در قوانین ملکیتی هم باید مقید باشد گفتند در دسر دارد چکار کنیم؟ گفتیم يك کاغذی مینویسیم. کاغذ نوشتیم بامین مالیه آنجا که از قراری که تحقیق کردم نمیشناسم شخص را لیکن آنچه تحقیق کردم مرد درستی است و خیلی تعجب کردم که آدم باین خوبی در مالیه پیدا شده. این هم از عجایب شد. نوشتیم این زریک مال موقوفه است کاری کنید که اسباب زحمت نشود انبار داری و واسطه و امثال اینها در بین نباشد کاغذ را که بردند جواب نوشته بود چشم ولیکن هنوز خریدارها معین نشده. من این را ننهمیدم که خریدار معین نشده است یعنی چه. رفتند زریک را گذاردند و آمدند گفتند خریدار معین نشده گفتیم خریدار معین نشده یعنی چه؟ گفتند خریدار باید با اجازه باشد دو نفر سه نفر اجازه میدهند از طهران که زریک بخرند، در هفته ما در آنجا بودیم خبر برای ما آوردند که ما زریک را فروختیم امین مالیه هم عالی مقامی کرد قدغن کرد که دیگر در انبار

معطل نمانند کرابه انبار نگیرند کسی واسطه نشود خودشان مستقیماً فروختند چند؟ نوز ده تومان بیست تومان. ما گفتیم بیست و هفت هشت تومان است گفتند دیگران میخریدند اما اجازه نداشتند. ولی آهائی که بالخصوص اجازه داشتند بیش از این نخریدند. هنوز قانون نگذاشته است! عرض میشود هیچ طریقی برای اینکه زریک کاشته نشود بهتر از این راه نیست ولی من متأسفم که ما چرا تجربه نیاموزیم. چرا در دهن ما آمد که مالیات ارضی برداشته شود؟ جهش این است که دولت که این کار را میکند آن اندازه که از مردم گرفته میشود عاید خودش نمیشود و زحمتش هم بر مردم زیاد است از اینجهت گفتیم مالیات ارضی را تبدیل کنیم بجزئی بهتر. لایحه نمک در دوره اول مجلس گذشت... بعضی از نمایندگان - در دوره دوم. مدرس - دوم. ما در اصفهان بودیم يك مأموری از طهران آمد با قوه مجریه که مالیات نمک بگیرند. گفتند رأی مجلس است ما گفتیم میدانیم رأی مجلس است اما قوه عاقله اش کی بوده است؟ گفتند صنایع الدوله بوده است و رأی مجلس. حساب کرده اند ایران سی کرور نفوس دارد هر یک نفری بکفران بدهد سالی سه کرور میشود مداخل از این سهلتر؟ بی زحمت تر؟ که هر يك نفر آدم يك قران بدهد سه کرور عایدی پیدا میشود گفتیم این مسئله اشتباه شده بواسطه این که سی کرور نفوس ایران نفری يك قران بدهد سه کرور میشود حیوانات هم نمک میخورند این را ملتفت نبوده اند اگر آنها هم از بابت نمک بدهند افلاصت کرور حیوانات در ایران نمک میخورند در فصل علف پس اگر چنانچه آنها را هم اضافه کنند سالی نه کرور عایدات داریم. بان شاهزاده مقدس که مأمور این کار بود گفتیم این عملی نیست اشتباه شده است در ایران نمیشود مالیات برش بست. گفت مسئله نیست نفری بکفران. گفتیم مطیع هستیم حکم مجلس است. شروع کردند اداره کردند آخرش اداره محترم خودش منحل شد قربه الی الله

آمدند اداره نقلیه درست کردند آنچه بوزرای پست و تلگراف گفتیم که ضرر دارد دولت نمیتواند کاری درست کند. دولت در مملکت حافظ باید باشد اگر میخواهد مالیه پیدا کند باید از نفع یعنی چیزهایی که مردم پیدا میکنند بگیرد و خودش نمیتواند چیزی پیدا کند. آمدند اداره کردند بعد از جان کندن و حساب کردن می بینند چقدر ضرر شد. اداره ارزاق. چیزی بهتر از این میشد؟! خیلی هم خوب اداره بود امروز در طهران با این قیمت گندم مردم نان را با بدمان من سی شاهی بخورند و همین دلیل است که دولت نمی تواند خودش ارزاق را اداره کند ما آمدیم اداره تحدید درست کردیم. بعقیده بنده کشیدن بزبان یکی از کنایان کبیره و حرام است. این عقیده من است و مکرر هم گفته ام. و این يك چیزی است که ضرر دارد و به عقیده بنده کسی را که بزبان میکشد باید تعذیر کرد.

حالا آمدیم سر اداره تحدید. وقتی که این اداره را می خواستند درست کنند من همان وقت گفتم که این کار عملی نیست و دولت نمیتواند این کار را خوب اداره کند. آمدند حساب کردند سال اول هشت عباسی نه عباسی و به تصور اینکه بزبان کشیدن موقوف خواهد شد. آمدند و هی زیاد کردند. نتیجه این شد که کشیدن بزبان موقوف نشد و جز زحمت برای مردم چیزی تولید نکرد فقط نظر دولت این بود که مداخلی ببرد حالا هم عرض میکنم. التماس میکنم که از این کار صرف نظر کنید زیرا دولت نمی تواند این کار را ادامه کند. دولت باید مایه الاحتیاج خودش را از عایدات مردم بگیرد اما اگر بخواند خودش عایدات پیدا کند نمی تواند. اگر دولت بخواند دلال یا ناچر یا کاسب بشود جز اسباب زحمت چیز دیگری برای مردم نخواهد بود. دولت در این جاسه مقصد دارد و اگر آقایان اجازه بدهند و توجه بفرمایند بنده این سه مقصد را انجام میدهم بدون اینکه زحمتی تولید شود اول پول که اساس این مسئله است تامین میشود. الان از هر صندوق بزبان که ۲۵ من وزنش است هر وقتی که

ما گرفتند تا دو باره باز رواج پیدا کند و بازار پیدا کند و رواجش مشکل تر از وکالت مجلس شورای ملی خواهد بود. پس اگر پول می خواهید و (البته دولت پول می خواهد) و بسدی است که از مردم باید گرفته شود. بر قیمت صندوق با تصدیق اهل خیره و مطلعین (آقای حاج امین النجار و غیره) بیفزایند راه این قسمت این است. اما آمدیم در قسمت دیگر دایه مهربان تر از مادر چیز غربی است. می خواهید مردم این سم را استعمال نکنند راهش این نیست بلکه طریقتش همان است که عقلا در جلوگیری آن بکار برده اند چه عقلائی دنیوی و چه عقلائی اخروی. و آن هم مجاز است. تبریز. خسته کردستان مازندران و کیلان مگر بزبان میکشند؟ دولت که دلش برای مردم میسوزد خوب است يك کارهای دیگر بکنند این واضح است. آنچهائی که بزبان ندارد نمیکشند و آنچهائی که دارد خدا میداند اگر دولت شديداً ممنوع کند و مجازات کند دیگر کسی نمیکشد. همه مقصود دولت این است که پول پیدا کند. اگر مقصود جلوگیری است خوب است دوا خانه مجانی درست کند اعلان بکند دکترها را وادار کنند که مجاناً معالجه کنند. آنچهها که بزبان کاری است آنچهها را قدغن کنید. آن هم با این وسائل. این يك کاری است که برود کم کم باید بشود و الا بکمر تبه نمیشود کشت بزبان را منع کرد. این کار با انحصار درست نمیشود و مقصود حاصل نمیشود. يك وقتی ما در کرمانشاه بودیم (چون دولت آنچه بودیم) گفتند اینجا بزبان کش دارد. آقای آقا سید بعقوب شاید خاطرشان باشد گفتند اینجا با اینکه بزبان زیاد دارد معهدا اداره تحدید مفتش ندارد تعجب کردیم که چطور شده. بعد معلوم شد اداره صحیه دارد. گفتند نجار که برود توي خانها نجاری میکند. کرسی درست میکنند دسته تیشه را سوراخ کرده بزبان نوش گذاشته و قاچاق کرده و هكذا انواع و اقسام قاچاق. الان هم در هر شهری که شما ملاحظه کنید قاچاق هست بنده میدانم بزبان این مفاسد را دارد و بد

اخلاقی را زیاد میکنند و بنده هم موافقم که حفظ نسل را باید بعمل آورد و هر نحوی که هست این بنده را باید برطرف کرد. اما چنانچه عرض کردم راهش این نیست اما آمدیم سر آن چیزی که خیلی مهم است. نقل آن پیرزن و کلاغ و خریدار را باید عرض کنم. چون در جامعه و دنیا مسئله بزبان خیلی عنوان دارد که دول بزبان هم در این مسئله قدم هائی برداشته اند و می خواهند ما هم برداریم. بنده کاملاً موافقم که دنیا در این مسئله وارد مذاکره شود و این سم را از میان بی نوع بشر بردارد و البته باید این کار را کرد. لکن قضیه ما حکایت مثل معروف است. دونه را با هم دیگر راه می رفتند جلوئی دولا شد و يك چیزی از زمین برداشت عقبي گفت ببند از گفت ببند از ما که تو برداری. از ما میخواهند این قدم را برداریم و بزبان موقوف کنیم آنها چرا اول بر میدارند آنهائی که از ما در همه چیز بزبان زدند! جلیل ترند. بزبان هستند و ما همه چیز از آنها یاد میگیریم آنها چرا بر میدارند - این قدم اول حق آنها است که بردارند نه ما. ما باید به بینیم آنها چه میکنند. امروز ما باید مقتضات و مصالح اقتصادی خود ما را در نظر بگیریم و این يك چیزی است که از حیث صادرات برای ما اهمیت دارد. تصدیق این لایحه و منع کشت بزبان صد هزار درجه ضررش برای اقتصاد مملکت ما زیادتر از کشیدن بزبان است. این است که بنده با مقاصد دولت همراهم لکن نه به این طریق که پیشنهاد شده وزیر مالیه - اساس تنقید نماینده محترم از این لایحه این بود که بزبان بزبان ضرر میرساند...

مدرس - برای مردم زحمت دارد. وزیر مالیه - و عقیده شان این است که يك راه بی سر و صدائی است. برای موقوف کردن بزبان از فرمایشات ایشان و هر کسی که باباشان هم عقیده است این طور استنباط میشود و اینطور عقیده دارند که با این لایحه انحصار بزبان از بین میرود. بنده خودم این مسئله را خدمت آقایان عرض کردم که ما در مقابل يك اشخاصی و يك سیاست های عمومی که از عقایدی

راجع به منع کشت ترپاک دارند و می خواستند با ما داخل مذاکره شوند سیاست و مصلحت مملکت خودمان را بطور خیلی روشن و واضح بانها فهمانده ایم. این اولایک چیز مشترکی است و چیزی نیست که منحصر بیک دولت باشد. ما بهیچ وجه نمیخواهیم به زراعت ترپاک وزارت ترپاک و فروشنده ترپاک ضرر بزنیم. و اینکه آقای میفرمایند ترپاک را دیگر نمیخرند و وقتی که مسئله جواز شد دیگر کسی صادر نمیکند این از دو حال خارج نیست یا این است که حضرت مستطاب عالی درست اطلاع ندارند از جریان امور زیرا اگر اطلاع داشتید باید بدانید که همین الان برای خروج ترپاک جواز لازم است و حقوق کمکی میدهد پس خوب است در قضا بقدری دقت بفرمائید نه تنها از ما جواز میگیرند بلکه باید جواز تحصیل کنند از آن مملکتی که میخواهد ترپاک را در مملکت او بفروشد. شما استشهاد کردید به حاج امین التجار بنده هم بایشان استشهاد میکنم و اگر ایشان از نقطه نظر همکاری بخواهند عقیده واقعی خودشان را اظهار نکنند و عریاض بنده را تصدیق نکنند آن امر دیگری است.

مدرس - این طور نیست بنده از ایشان پرسیده ام وزیر مالیه - ما باید به بینیم امروز اشکال وضعیمان از کجا است. ملاحظه بفرمائید شما وقتی که ما را مکلف کردید که ترپاک را بخریم و وسایل تحصیل ترپاک و فروش آنرا بدست آوریم دلیل ندارد که زارع از فروش ترپاک بازماند. مثلی هم که آقای زدند اگر برای شوخی و مزاح باشد خیلی خوب است.

مدرس - الان میروند تو انبار.

وزیر مالیه - این مثلی را که شما زدید فرمودید رئیس مالیه و رامین به شما پیغام داده و گفته که مشتری هنوز معلوم نیست و از او تعریف و تمجید فرمودید این مرد احمقی است بنده از این جا داد میزنم که این مرد احمقی است. مگر مشتری را مالیه معین می کنند پس خوب است آقای تحقیق کنید به بینید قضیه چه بوده است شاید يك موضوع دیگری بوده و الا مشتری را مالیه

پیدا نمی کند. مطابق قوانین فعلی و قوانین عادی مالیه در امر ترپاک نظارت دارد ولی ترپاک خر و ترپاک فروش را مالیه معین میکند. منتهی بعد از این مشتری این ترپاک خود دولت خواهد بود و دیگری نیست شما مسئله ارزاق را ملاحظه کنید مگر چند سال نیست که مشتری ارزاق خود دولت است؟ و خودش اداره میکند خوب این چه عیبی دارد؟ بنده الان بشما نشان میدهم که در آن نقاطی که ما الان میخواهیم اداره ارزاق را برداریم بما کاغذ نوشته اند اصرار و ابرام دارند که باقی باشد و برداشته نشود.

مدرس - اعضاء کنند را بفرمائید.

وزیر مالیه - اعضاء کنند همه مردم. شما آف خوب است تحقیق کنید. برسید. الان همه روزه با کاغذ میرسد که ارزاق را منحل بکنم ولی بنده موافقت نمیکنم و میخواهم بردارم. چرا آن ها این طور اصرار دارند برای اینکه برای آنها نفع دارد...

مدرس - مردم همچو تقاضائی را ندارند. پربروز من آنجا بودم.

وزیر مالیه - اگر امروز اداره ارزاق در طهران نبود تصدیق بفرمائید که مسئله گندم و نان شهر مترازل بود و در سنوات بعد زارع و مالک بیست و سه تومان و بیست و دو تومان هم گندم گیرشان نیامد. سالهای خوب شاید يك قدری ارزان تر از این قیمت فعلی بود ولی از آن طرف در سالهای بد سی تومان خواهد بود. و امروزه يك نرخ ثابتی دارد که معین است و مردم هم راضی هستند ولی اگر بنده گندم را بحال خودش ول کنند مترازل میشود بنده الان گندم را همان بیست و دو تومان میخرم در سالهای بعد هم بهمین قیمت میخرم

مدرس - الان نمیخوری

وزیر مالیه - خیر میخرم این ترتیب خیلی خوب است. زارع ضرر نمیکند. نان خور هم ضرر نمیکند. آقا در قضا باید حقایق را ملاحظه کرد. مسائل را باید درست در نظر گرفت و حقایق را دید ملاحظه

بفرمائید همین ترپاک وقتی انحصاری شد خریداری منحصر بدولت میشود مردم هم چون بیکارند خیلی بهتر و بیشتر بیکارند چرا برای اینکه امروز که آزاد است مملکت است مترازل باشد و قیمتش معلوم نباشد. ممکن است آنهایی که ترپاک میخرند هم خودشان را بر این مصروف کنند که کلاه زارع را بر دارند. زیرا نفع آنها مستلزم همین کار است و اگر کلاه زارع را بر ندارند فایده نمیبرند. این ها همیشه از دلای ترپاک فایده میبرند این ها هر قدر از زارع و مالک ارزاقتر بخرند بیشتر فایده میبرند ولی وقتیکه امر منحصر بدولت شده من این کار را نخواهم کرد. من بایک قیمت معین و ثابتی معامله خواهم کرد. از این جهت زارع بیشتر خواهد کاشت. زارع ترپاکش را بمن میدهد و پولش را میگیرد.

اما مسئله صدور و خروج که آقا فرمودند در این موضوع هم بنده از آقا نمنا میکنم درست دقت بفرمایند زیرا نقطه حساس قضیه این جا است. آقا میفرمایند دولت خودش نمی تواند چیزی ایجاد کند و از نفع او دولت عایدات بگیرد بنده تا اینجا کاملاً باشما موافقم اما درین موضوع من چه میگویم؟ میگویم این يك چیزی است که دیگری نمی تواند ایجاد کند. باز استشهاد میکنم به آقای حاج امین التجار و عرض میکنم امروزه حاج امین التجار و آقای بهبهانی و آقای کازرونی (اما نه کازرونی وکیل) کازرونی ناچار بوشهری. این سه چهار نفر با اینکه در این مملکت ناچار مهم ترپاکند معذالک قدرت ندارند

مدرس - چرا ندارند؟

وزیر مالیه - اگر دارند تکذیب کنند نمی توانند و آن قدرت را ندارند که استفاده کنند ولی بنده استفاده میکنم دلیل من هم این است که الان کمتر از بیست ساله که تقاضا شده در کیف من است. این را کی تقاضا کرده اداره انحصار هند و چین و سیام. و این دولتی که مصرف ترپاک دارد این تقاضا کرده اند. بنده میفروشم او میخرد

مدرس - چرا.

وزیر مالیه - چرایش را خودشان بهتر میدانند اگر نمیدانستند این تقاضا را نمیکردند. سیام و کلنی های دول اروپائی و آنجا هایی که مصرف ترپاک دارند این تقاضا را از ما کرده و می خواهند طرف معامله واقع شوند و این بدیهی است که من که دولت هستم بهتر میتوانم معامله کنم تا دیگران. من قدرت دارم. عوامل دارم احتیاج ندارم به اینکه اگر بانک شاهنشاهی اعتبار مرا پنج روز کم کرد دست و پایم بلرزد. بانک شاهنشاهی هر غلطی دلش میخواهد بکند. من از میدان در نمیروم اما در مورد نجات این طور نیست. خوب نجات میکنند زره و زنجیره نجات مملکت شما داغون شد. برای اینکه بانک بانها اخطار کرد که من اعتبار ترپاک شما را قبول ندارم ورد میکنم. باین حرف دست و پای نجات لغزید مطلب این جا است تمام اطراف مسائل را باید سنجید آنوقت حرف زد. ما مشرقها باین صفت معروف هستیم که همیشه يك منفعت آبی امروز را نگاه میکنیم. و به نفع کم قانعیم و هیچوقت منافع آتیه خودمان را ولو اینکه زیاد هم باشد نگاه نمیکنیم و در نظر نمیگیریم. برای نفع زیاد بردن يك قوانین لازم است. که اگر انحصار باشد من فایده میبرم و برای افراد هم ضرر ندارد. فایده دارد. شما اگر عقیده دارید حالا از هر صندوق ترپاک سیصد تومان بگیرند آنوقت هزار تومان میگیرند از دو هزار تومان من هزار و هشتصد تومان میبرم. ولی طرف نمیتواند ببرد. من میخواهم راه ایجاد کنم بنوعی که طرف هم ببرد من هم ببرم ما اگر میخواستیم تمام جزئیات را در اینجا بنویسیم نمیشد. من الان ماده شش را میخواهم ملاحظه بفرمائید.

ماده شش - دولت مجاز است جواز صدور ترپاک برای تجارت خارجه را در مقابل پرداخت قیمت جواز صدور بتجار بدهد و همچنین دولت می تواند فروش ترپاک مصرف داخلی را بموجب اجازه مخصوص بوسائط داخلی و اگذار نماید قیمت جواز صدور برای

۱۳۰۷ از تاریخ ابلاغ این قانون تا ۱۵ روز و از اول ۱۳۰۸ بعد در فروردین هر سال از طرف دولت معین و اعلان خواهد شد.

این را ما برای چه نوشتیم. این جواز صدور را برای چه در این جا ذکر کردیم. برای اینکه ما حساب کردیم و دیدیم در انحصار همان منظوری را که داریم حاصل میشود و ممکن است با این ترتیب هم جواز صدور تریاک بدست حاجی امین التاجار بدهیم و همان تفاوتی هم که آقا فرمودید عادلانه است. و اینکه قیمت جوار را هر ساله دولت معین می کند برای این است که هر ساله ممکن است کم و زیاد شود. و این را که تعیین کرده ایم برای این است که ممکن است هم غیر مستقیم عمل کنیم و هم بطور مستقیم. اگر لازم باشد خودمان مستقیم عمل کنیم. ولی در آنجائی که بتوسط واسطه عمل کنیم اگر صرفه داشت قیمت جواز را بهر طریقی که نفع داشت تغییر میدهیم. مگر قند و شکر انحصار نیست و اختیاراتش در دست ما نیست. تا بحال انحصار قند و شکر بصورت جواز بوده و برای ما احتیاج پیدا نشد که بصورت دیگری در بیاریم. تاجر می آید و تقاضا میکند و ما هم جواز میدهیم. پس باید تمام اطراف کار را سنجید این مسائل منحصر بیک چیز نیست در بردن منفعت باید قوارا هم سنجید. تنها منفعت بردن بارزان فروختن نیست.

زیرا برای بردن فائده قوه لازم است. اگر ممکن بود منافع بزرگ را همه ببرند هیچکس بی منفعت و کدا نمیشد این که مردم کدا میشوند و بانه نفع کم میسازند برای اینست که همه کس نمیتوانند منافع بزرگ ببرند در دنیا نفع بزرگ بردن مستلزم داشتن بک چیزهائی است که باید همه آنها در بک نفر جمع باشد نتواند فائده هنگفت ببرد. مثلاً در کار تریاک اطلاع لازم است بصیرت میخواهد: توانائی و قدرت می خواهد صبر و طاقت و مقاومت میخواهد. همه اینها باید جمع باشد تا عوض صد تومان با در دست تومان که ما امروز میتوانیم از هر صندوق تریاک فایده ببریم هزار تومان ما بیشتر فایده ببریم. اما راجع به مصرف

داخلی البته مجازات بک چیزی است که همیشه خیلی مؤثر است بواسطه بک وضعیاتی که در مملکت ما هست زراعتش را امروزه با این ترتیبی که داریم نمیشود بک دفعه بطور کلی قطع کرد و از کشت آن جلوگیری کرد. ما هم نمبخواییم این کار را بکنیم. فرض میکنیم و بلاز میرویم که بک روزی بخواییم این کار را بکنیم در صورتی هم که چنین خیالی داشته باشیم یکی از طرق مؤثره همین است که بدست دولت باشد و قیمتش را گران تر بکنیم تا مردم کمتر بکشند. البته هر چه ارزان تر باشد و هفت تر باشد مردم بیشتر میکشند. چنانچه در این چند ساله حساب کنید در اصفهان کشیدن تریاک زیاد شده و در آذربایجان نشده چرا؟ برای اینکه در اصفهان ارزانتر شده و در آذربایجان گران تر. پس اگر قیمت را گران تر کنید کشیدنش مشکل تر میشود. و در صورت انحصار دولت چون میخواهد بک نفع خوبی برد قیمت تریاک گران میشود و کشیدنش مشکل میشود و در نتیجه تریاک کش ها به مضیقه می افتند

مدرس - قاچاقچیه چطور؟

وزیر مالیه - موضوع قاچاق و قاچاقچی علیحده است. ربط موافقت و مخالفت با این لایحه ندارد جلو قاچاقچی را بوسایل دیگر باید گرفت و الا شما هر طور تریاک را اداره کنید قاچاقچی خواهد بود. این درد دوائی خاصی دارد و الا نمیشود گفت که این ترتیب انحصار نباید باشد برای اینکه قاچاقچی در کار است. هیچ کاری بی خلل نیست شما هر کاری را که خوب فرض می کنید و هر چیز بهتری را که فرض کنید باز بک خللی درش ممکن است باشد. قاچاقچی را باید بوسیله مجازات از بین برد آن راه علیحده دارد. و راهش همان است که ماده واحده در کمیسیون عدلیه گذرانده اید و جلوگیری کرده اید از راه موادی که فردا وزیر عدلیه این جا مطرح خواهد کرد باید جلو قاچاق را گرفت. اما روی هم رفته چیزی که خیلی اساسی است و کاملاً باید در نظر داشت در مقصود است یکی اینکه چنانچه عرض کردم همچو خیالی

بگذرد زیاد نیست که هفت هشت نفر موافق و مخالف درش حرف بزنند لایحه ما این مهمی لازم نیست در بک جلسه با فاصله چهار ساعت تمام شود پس از آنکه همه نظر ها گفته شد و توضیح شد بعد اگر اکثریت مجلس رأی داد البته باصبرت کاملتری رأی خواهیم داد لهذا بنده عقیده ام این است که مذاکرات کافی نیست و باید مذاکره شود رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده آقای تقی زاده را متوجه میکنم باینکه مذاکرات در دو موقع کافی است یکی در موردی که لایحه اهمیت ندارد مذاکرات کافی است یکی هم در وقتی که بک لایحه اهمیت دارد. آقا میدانند که این لایحه از اوضاع مهم است و مدنی هم هست که ما در زمینه این لایحه حرف زده ایم و آقایان مخالف و موافق صحبت داشته اند این اصل برای ما محرز است که هیچیک از وکلاء حاضر نیستند که زراعت تریاک در ایران از بین برود هیئت دولت هم حاضر نیست و هر وقت که بخوانند بک همچو کاری بکنند تمام مجلس آنها مخالفت خواهد کرد پس حالا که در این لایحه به اندازه کافی در کلیات صحبت شده و مذاکرات کافی شده است بهترین است داخل در مواد بشویم پیشنهاد بدهیم و مذاکره بکنیم و قانون را بگذرانیم.

رئیس - چون عده برای اخذ رأی کافی نیست اجازه میفرمائید بماند برای جلسه بعد.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

ندارد که با این لایحه انحصار جلو کشت تریاک را بگیرد نیست دولت این نیست. و این لایحه انحصار هم ابداً جلو مالک و زارع تریاک را نخواهد گرفت بلکه تأمین میکند و منفعت مالک و زارع را بیشتر کرده و بالا میبرد. الان بک مشت مردمی هستند که باین وسیله اعاشه و زندگی می کنند و آن خرده باها هستند. این جور اشخاص قطعاً از بین نمیروند بلکه بر خلاف عوض اینکه فلاحت تاجر این کار را بکنند ما خودمان بطرز بهتری خواهیم کرد و عوائد این خرده باها هم زیاد تر میشود. فقط بیک عده اشخاص محدودی ممکن است بک صدمه خیالی وارد اید آنهم آنی است و برای بک اشخاص محدودی است این نیارزد که ما بک قضیه مهم مملکتی را بگذاریم کنار درش دقت نکنیم از پیش نبریم برای بک همچو چیزی بنده از آقایان تقاضا میکنم که اصلاحات هر چیزی را پیشنهاد کنند اما اصل را از بین نبرند این اصل برای این مملکت مجاری رقی و توسعه اساسی است شما ناعایدی برای این مملکت درست نکنید نمیتوانید بک قدم بردارید

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

تقی زاده - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - البته آقایان میدانند که این بک لایحه مهمی است و بقدر کافی باید نظریات مختلف درش گفته شود بنظر بنده خیلی از نکات و نظریات هنوز گفته نشده است و البته بک چنین لایحه مهمی که میخواهد